

Editor-in-Chief Lecture: Judicial Socialism



**Mohammad Javad
Shariatbagheri**

Former justice of the Supreme court, Tehran, Iran
shariat.bagheri@yahoo.com



**Journal of Critical Analysis of
Judicial Decisions**

**Iranian Law and Legal Research
Institute**

**Vol. 5 | No. 9 | Spring and
Summer 2026
(Editor-in-Chief Lecture)**

www.Analysis.illrc.ac.ir

**DOI:
10.22034/analysis.2026.738984**

Iranian courts and tribunals face numerous challenges in the field of the law of civil liability. On the one hand, the principal foundation of civil liability is the concept of fault; on the other hand, modern protective laws for groups such as workers, consumers, children, women, and persons with disabilities has created room for differing interpretations. Some judges believe that because the legislature has enacted protective laws for certain social groups, they should also rule in a partisan manner in favor of the "weaker party" in legal disputes. This view is influenced by Marxist ideas and the theory of class struggle. However, it should be emphasized that the purpose of protective legislation is not to favor one social class over another, but rather to compensate for a weakness of will or to prevent the imposition of one party's will upon another. For example :

1. Protection of workers is based on the subordination of their will to that of the employer, not on their membership in a particular social class.
2. Protection of children and legally incapacitated persons stems from their inability to exercise full and independent judgment.
3. Protection of consumers is justified by the possibility that large economic enterprises may impose unfair conditions upon them.
4. Protection of women should not be interpreted as requiring courts to favor them in every legal dispute.

A judge's duty is not to support the "weaker class," but to remain impartial and render decisions in accordance with law and justice. Issuing a judgment solely because one party is economically or socially disadvantaged is inconsistent with the principles of a fair trial.

Marxist ideas spread widely during the nineteenth century through the theory of class struggle. These ideas gained influence among Iranian intellectuals before the Islamic Revolution and were subsequently adapted and localized through religious concepts such as the "oppressed" (mostaz'afin) and the "arrogant" or "oppressive" (mostakberin).



یادداشت سردبیر: سوسیالیسم قضایی

قاضی پیشین دیوانعالی کشور، تهران، ایران
shariat.bagheri@yahoo.com

محمدجواد شریعت باقری 



دوفصلنامه نقد و تحلیل آراء قضایی

پژوهشکده حقوق و قانون ایران

دوره ۵ | شماره ۹ | بهار و تابستان ۱۴۰۵
(یادداشت سردبیر)

[www. Analysis.Illrc.ac.ir](http://www.Analysis.Illrc.ac.ir)

DOI:

10.22034/analysis.2026.738984

۱- این شماره از نشریه به موضوع مهم و پر مسأله مسئولیت مدنی و به تعبیر قانون مدنی به «الزاماتی که بدون قرارداد حاصل می‌شود» اختصاص یافته و نمونه‌هایی از آراء دادگاههای ایران که در مورد مسئولیت مدنی صادر شده است معرفی شده و به بحث گذاشته شده است.

۲- واقعیت این است که دادگاهها در مورد حقوق مسئولیت مدنی با دشواریهای زیادی مواجهند. از یک سو، مبنای اصلی مسئولیت مدنی در حقوق ما و بلکه در نظامهای گوناگون حقوقی، نظریه تقصیر است و از سوی دیگر، ملاحظات گوناگونی که عمدتاً مربوط به تحولات عصر جدید است موجب شده تا قانون‌گذاران برخی قوانین حمایتی برای کلرگران، مصرف کنندگان و مانند اینها تصویب کنند و دامنه مسئولیت مدنی در قلمروهای پراشویی وارد شده که میدان را برای اعمال سلیقه‌ها و ابراز نظرها باز کرده است.

۳- در گذشته، هسته اصلی حقوق مدنی حقوق قراردادهای بود و مسائل مسئولیت مدنی چندان مطالبی نداشت. در آثار فقهی نیز که از قرون گذشته به تفصیل از عقود و ایقاعات بحث کرده اند کتابی و بابی به «ضمانات قهری» اختصاص نداده اند. بحث ضمانات قهری بیشتر در کتاب های قواعد فقه و در سده های اخیر مطرح شده است. از جمله میر عبدالفتاح مراغه ای در حدود دو قرن پیش بخشی از کتاب نسبتاً معروف «العناوین» را به «اسباب و مسقطات ضمان» اختصاص داده است.^۱ بنابراین، طبیعی بود که نویسندگان قانون مدنی نیز مسأله «الزامات خارج از قرارداد» را به اجمال برگزارکنند؛ یعنی به موجبات و شرایط مسئولیت مدنی نپرداخته اند بلکه مصادیقی از آن را در ماده ۳۰۷ به عنوان «ضمان قهری» آورده اند. از سوی دیگر نیز، در آنچه مربوط به حقوق بین الملل خصوصی است، مسأله مهم «قانون حاکم بر مسئولیت مدنی» را نیز به طاق نسیان سپرده اند. این در حالی است که برای قراردادهای و احوال شخصی و اسناد و اموال، قانون حاکم تعیین کرده اند و دلیلی وجود نداشته و ندارد که مسئولیت مدنی (یا ضمان قهری) از دایره بیرون باشد جز این که مسأله تعیین قانون حاکم بر روابط حقوقی حقوق خصوصی که متضمن عنصر خارجی است در فقه سابقه ای نداشته است.^۲

^۱- این جانب سالها پیش ترجمه ای از آن مباحث را به علاقه مندان تقدیم کرده ام. نک: عناوین ضمان، نشر میزان، چاپ دوم،

^۲- نک: مقاله اینجانب زیر عنوان «چرایی و چگونگی تعیین قانون حاکم بر مسئولیت مدنی»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۷۲، اسفند ۱۳۹۴، صفحه ۷۱-۹۵

۴- باری، یکی از لغزشگاههای دادگاههای ما در مسائل مسؤولیت مدنی، ابهام در حمایت قانون‌گذار از برخی اقشار و گروههاست. واقعیت این است که قانون‌گذار در مورد برخی گروههای اجتماعی یا اقتصادی قوانین حمایتی وضع کرده است. این گروهها شامل کارگران، کودکان، محجوران، زنان، معلولان، مصرف کنندگان، مستاجران، سالمندان، پناهندگان است.

۵- اما مقصود از وضع قوانین حمایتی چیست؟ آیا مقصود این است که در رسیدگی به دعاوی میان کارگر و کارفرما باید جانب کارگر را گرفت و به نفع او رای دارد؟ یا چنین نیست؟ واقعیت این است که از زمان پیدایش اندیشه‌های مارکسیستی و سوسیالیستی، برخی گمان می‌کنند که قوانین حمایتی برای آن است که چون دنیا صحنه درگیری میان کارگران و سرمایه‌داران است و یا میان زنان و مردان یا مستاجران و موجران... در این جدال طبقاتی، قانون‌گذار باید به کمک قشر ضعیف و مستضعف بیاید تا آنان را از چنگال دشمنان رها کند و تازه، دادگاهها هم جداگانه و به نوبه خود، در این جنگهای بی پایان میان گروهها اجتماعی به کمک و حمایت ضعیفان و محرومان برآیند و داد آنان را از گروه مقابل ستمگر بستانند؛ این دیدگاه را کارل مارکس در غرب عالم مطرح کرد و در کاسه شرفیان عالم نهاد.

۶- تزریق اندیشه‌های مارکس و تابعان او موجب شد تا در شماری از کشورها و از جمله در کشور ما اندک اندک نوعی اندیشه سوسیالیسم قضایی شکل بگیرد و تصور شود که گویی نظام حقوقی و قضایی تابع یک راهبرد کلی است و آن حمایت از «طرف» ضعیف و مستضعف است و قاضی باید در رسیدگی به پرونده‌ها و اختلافات، جانب‌دارانه به نفع طرف ضعیف و مستضعف حکم صادر کند.

۷- اما فلسفه قانون کار و حمایت از کارگر را نباید در دشمنی و تضاد میان کارگر و کارفرما (سرمایه دار) جستجو کرد. مساله حمایت از کارگر در دانش حقوق از منظر «اراده» مورد توجه قرار گرفته نه از منظر طبقه اقتصادی یا اجتماعی. در دانش حقوق، همچنان که کودکان و محجوران به دلیل نقص اراده مورد حمایت قرار می‌گیرند، کارگر نیز زمانی که

اراده او مضمحل در اراده کارفرما باشد مورد حمایت قرار می‌گیرد؛ یعنی کارگری که نه تنها کار خود، بلکه اراده خود را نیز در اختیار کارفرما گذاشته با امر او بالا و پایین می‌رود و نشست و برخاست می‌کند و به تعبیری با ریموت کارفرما کار می‌کند، نه به دلیل دشمنی طبقاتی، بلکه به دلیل ضعف یا فقدان اراده باید مورد حمایت قرار بگیرد. اما کارگری که به اراده خود کار می‌کند یعنی کار را می‌پذیرد و خود می‌داند که چگونه باید انجام بدهد - چه کارگر نامیده شود یا پیمان‌کار و یا هر عنوان دیگر - مسئول اعمال خویش است و جز در صورت تقصیر و تسبیب نمی‌توان به داعی حمایت از کارگر و با اندیشه سوسیالیسم قضایی رای به نفع او صادر کرد. بر این اساس، اگر مکانیک خودرو سپر خودرو را بالا می‌زند و ناگهان درب آب جوش رادیاتور را باز می‌کند و دچار سوختگی می‌شود نمی‌توان صاحب خودرو را مسئول حادثه دانست و یا اگر برق کاری وسیله برقی را در مغازه خود یا در منزل کارفرما باز می‌کند و دچار برق گرفتگی می‌شود نمی‌توان صاحب وسیله برقی را مسئول برق گرفتگی دانست. اینکه تصور شود که کارگر همیشه طرف ضعیف است و همواره باید به نفع او رای صادر شود مغایر با اصول و قواعد حقوقی است. دادگاهها وظیفه ندارند که از طبقه ضعیف جانب‌داری کنند؛ نه تنها وظیفه ندارند که از طبقه ضعیف یا طرف ضعیف جانب‌داری کنند بلکه جانب‌داری، مخالف اساسی‌ترین اصل دادرسی، یعنی بی‌طرفی است و اگر قاضی صرفاً به این دلیل که یکی از طرفین کم‌سوادتر یا کم‌درآمدتر یا ناتوان‌تر است به نفع او رأی بدهد، اصل بی‌طرفی و اصل برابری طرفین را نقض کرده است.

۸- همچنین است قوانین حمایتی برای کودکان و محجوران که آن هم برای ضعف و ناتوانی در اراده است نه به دلیل ضعف اقتصادی و تعلق به قشر یا طبقه محروم. قوانین حمایت از مصرف‌کنندگان برای آن است که بنگاههای عظیم اقتصادی اراده خود را تحمیل می‌کنند همچنان که در حقوق قراردادهای نیز، تحمیلی دانستن قراردادهای الحاقی برای آن است که یکی از طرفین اراده خود را بر دیگری تحمیل می‌کند. حمایت

از زنان برای آن نیست که زنان «در طول تاریخ» در زیر سلطه مردان و اسیر مردان بوده اند و چون چنین بوده اکنون در دعاوی میان زن و مرد باید حق را به جانب زن روانه کرد.

۹- اگر در مورد نفوذ اندیشه سوسیالیسم قضایی در کشور ما تردید داشته باشیم، کافی است از خود پرسیم که چرا مالکان زمینهای کشاورزی خود را کشاورز معرفی می کنند؟ و چرا صاحبان کارخانه ها، خود را کارگر؟ و چرا صاحبان مناصب خود را خدمت کار و خدمت گزار؟

۱۰- **پیدایش اندیشه سوسیالیسم قضایی:** سوسیالیسم در اصل به معنای جامعه گرایی است. داستان از این جا شروع شده است که پس از پیدایش اندیشه های آزادی محور و فردگرایانه که مبنای تمدن کنونی غرب است گروهی از اندیشه ورزان، در همان جهان غرب، از در انتقاد در آمده اند و به فردگرایی انتقاد کردند و جامعه گرایی را که همان سوسیالیسم کنونی است مطرح کردند. سوسیالیسم البته طیف وسیعی از اندیشه ها را در بر می گیرد ولی اندیشه تقسیم جامعه به طبقات اقتصادی و تئوریزه کردن جدال دائمی میان دو طبقه برخوردار و نابرخودار (کارگر و سرمایه دار...) از تعالیم کارل مارکس است که فلسفه تاریخ هگل را که مبتنی بر جنگ و جدال میان اضداد بود به طبقات اجتماعی تسری داد و نظریه جنگ دائمی و تاریخی را به جای صلح نشانده. این اندیشه در قرن هجدهم در آلمان متولد شد و در قرن نوزدهم عالم را درنوردید و در سالهای واپسین قرن بیستم، با زوال امپراتوری شوروی سوسیالیستی، اندک اندک محو و تقریباً مضمحل شد.

۱۱- **ما چگونه درگیر ماجرا شدیم؟** در کشور ما انقلاب اسلامی در زمانی رخ داد که مارکسیسم بر نیمی از جهان حکومت می کرد. از شوروی گرفته تا چین و شرق اروپا و بخشی از آمریکای جنوبی همگی تسلیم انواعی از مکاتب و اندیشه های مارکسیستی شدند. این جریان انقلابی چپ، در ایران قبل از انقلاب نیز دل های اهالی فکر و قلم را ربود و بسیاری از اندیشه ورزان برای همراهی با جریان روشنفکری لامحاله باید دل در گرو اندیشه های انقلابی مارکسیسم می سپردند؛ از شاعر و نویسنده و مترجم و حقوقدان و سیاستمدار بگیر تا جوانان دانشجوی همه دانشگاههای کشور. از سوی دیگر، گروهی از

روشنفکران و دانشگاهیانی که مارکسیسم را نمی پذیرفتند و مایه ها و دغدغه های دینی و اسلامی داشتند تلاش کردند تا آنچه را که مارکسیست ها می گویند در آیات قرآنی و روایات اسلامی و سیره امامان پیدا کنند تا بتوانند اثبات کنند که دین ما - و مشخصا تشیع علوی - با پارادایم حاکم بر آن دوران نه تنها مشکلی ندارد بلکه پیشروتر و «مترقی تر» از آنهاست. بر این اساس بود که نظریه طبقاتی بودن جامعه و جدال بی پایان تاریخی میان استثمارگر و استثمار شده، به جدال مستکبر و مستضعف تعبیر شد و روشنفکران انقلابی، اصطلاح «مستضعف» را پیدا کردند و به جای کارگر گذاشتند و «مستکبر» را به جای سرمایه دار و «استکبار جهانی» را به جای امپریالیزم جهانی نشانند تا بر همگان آشکار کنند که آنچه مارکس و لنین گفته بودند اصلا چیز تازه ای نبوده و در فرهنگ گذشته ما و مبانی قرآنی وجود داشته ولی از آن بی خبر بوده ایم.

۱۲- این بومی سازی اندیشه های مارکس آنچنان به خوبی انجام شد و آنچنان با مبانی دینی پیوند برقرار کرد که در کشور ما پایدار ماند در حالی که آن نیمه از جهان که رسما و واضحا پرچم داس و چکش را به پا کرده بودند در دهه های گذشته آن را بر زمین نهادند و به سازواره های دیگری روی آوردند. اما در کشور ما به دلیل پیوند با مفاهیم برساخته پیشینی، مخالفت با آموزه های نادرست و تخیلات فیلسوفانه کارل مارکس، هنوز با دشواری های عجیب و عمیقی رو بروست آنقدر که برخی - که شمار آنها کم نیست - این مفاهیم را از «مقدسات اسلامیه» تلقی می کنند و انکار آن را ممکن است در حد کفر و شرک به خداوند بدانند.

این در حالی است که داستان قضاوت داود پیامبر ع در قضیه آن دو برادر برای رد اندیشه سوسیالیسم قضایی کافی است. داستان قضاوت حضرت داوود (ع) که در قرآن کریم آمده از این قرار است که دو برادر بر حضرت داود (ع) فرود آمدند و دعوی مطرح کردند. یکی از آنان گفت که این برادر من است و ۹۹ گوسفند دارد و من فقط یک گوسفند دارم و او می گوید که آن یک گوسفند را نیز به من بده و داوود (ع) بدون تحقیق در حقیقت ماجرا و مالکیت آنها چنین قضاوت کرد که آن برادر که ۹۹ گوسفند دارد نباید آن یک گوسفند را از

تو طلب کند. در اینجا بود که به داوود خطاب شد که: «ای داود ما تو را در زمین خلیفه خود کردیم. تو بین مردم به حق حکم کن...»^۱

اختصاص یک شماره از نشریه به مسؤولیت مدنی که به همت والا و تلاشهای استاد گرامی جناب آقای دکتر عباس میرشکاری عضو هیأت علمی دانشگاه تهران صورت پذیرفته^۲ برای جلب توجه جامعه قضایی و حقوقی به پاره‌ای از مسائل مسؤولیت مدنی است. از ایشان به خاطر تلاش‌ها و کوششهایشان در گردآوری آراء قضایی و نظارت بر داوری‌ها بسیار سپاس‌گزاریم و برایشان تندرستی و استمرار موفقیت آرزو می‌کنیم.

^۱ یا داوودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ (سوره ص، آیه ۲۶)

^۲ جناب آقای دکتر میرشکاری آثار ارزشمندی پیرامون موضوع منتشر کرده اند. از جمله کتاب حقوق مسؤولیت مدنی (انتشارات قوه قضاییه) و کتاب رساله عملی در مسؤولیت مدنی و نیز کتاب اصول اروپایی مسؤولیت مدنی (شرکت سهامی انتشار).